

نقش محیط خانواده در شکل‌گیری تفاوت‌های فردی در عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان

سارا ابراهیم زاده^۱

^۱ کارشناسی ارشد، مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد واحد بردسکن

آدرس پست الکترونیک

شماره تماس: ۰۹۹۱۰۴۲۳۹۶۱

چکیده: در این مقاله ما به بررسی تأثیر خانواده بر یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پرداخته ایم. هدف اصلی این مقاله، شناسایی عوامل مؤثر خانوادگی و تعیین نقش آن‌ها در ایجاد تفاوت‌های فردی در عملکرد تحصیلی است. روش تحقیق از نوع کتابخانه‌ای بوده و با استفاده از منابع معتبر علمی و مقالات پژوهشی به جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها پرداخته شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که عواملی مانند ساختار خانواده، سطح تحصیلات والدین، سبک‌های فرزندپروری، حمایت‌های عاطفی و محیط فیزیکی خانه تأثیر عمیقی بر یادگیری و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان دارند. به‌ویژه، خانواده‌هایی که محیطی حمایتی و آموزشی فراهم می‌کنند، به طور قابل توجهی در افزایش انگیزه و عملکرد تحصیلی فرزندان خود موفق‌تر هستند. این تحقیق در نهایت پیشنهاداتی برای بهبود حمایت‌های خانوادگی در فرآیند یادگیری ارائه می‌دهد و اهمیت نقش خانواده را به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی در موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان تأکید می‌کند.

واژگان کلیدی: محیط خانواده، تفاوت‌های فردی، یادگیری، عملکرد تحصیلی، سبک‌های فرزندپروری

۱- مقدمه :

عملکرد تحصیلی در مدرسه تحت تأثیر عوامل درونی و بیرونی مختلفی قرار دارد. از میان این عوامل، محیط خانواده به عنوان یکی از عوامل بنیادی و تأثیرگذار در شکل‌گیری تفاوت‌های فردی در یادگیری دانش آموز شناخته می‌شود. تأثیرات محیط خانواده نه تنها به طور مستقیم بر رفتار تحصیلی کودک تأثیر می‌گذارد، بلکه این محیط می‌تواند به طور غیرمستقیم بر نگرش‌ها و احساسات دانش آموزان نسبت به یادگیری، انگیزه تحصیلی، و سلامت روانی آن‌ها تأثیرگذار باشد. در هر حال خانواده به عنوان اولین نهاد اجتماعی اثرگذار بر کودک نقش خیلی مهمی در انتقال ارزش و تفکرات و باورها را بر عهده دارد. (Duncan & Brooks-Gunn, 1997; Pianta & Stuhlman, 2004).

نوع حمایت‌های عاطفی و روانی خانواده و والدین یکی از اصلی‌ترین عوامل تأثیرگذاری خانواده بر کودک می‌باشد. تحقیقات نشان داده‌اند که خانواده‌هایی که در آن‌ها حمایت‌های عاطفی قوی و تعاملات مثبت وجود دارد، دانش آموزان معمولاً اعتماد به نفس بیشتری دارند و در مواجهه با چالش‌های تحصیلی، عملکرد بهتری از خود نشان می‌دهند (Mistry, Benner, Tan, & Kim, 2009).

دسترسی به منابع آموزشی مناسب و کلاس‌های کمک آموزشی تحت تأثیر وضعیت خانواده مالی قرار دارد و خانواده‌های با وضعیت اقتصادی بهتر معمولاً قادر به فراهم آوردن امکانات آموزشی و تفریحی برای فرزندان خود هستند که می‌تواند به رشد علمی و تحصیلی آن‌ها کمک کند (Bradley & Corwyn, 2002). دانش آموزانی که در خانواده کم برخوردار هستند در واقع به میزان کمتری از فرصت‌های آموزشی به طور کامل بهره‌مند شوند، که می‌تواند منجر به افت تحصیلی و ایجاد تفاوت‌های فردی در یادگیری شود.

در این مقاله ما به بررسی تأثیر محیط خانواده در شکل‌گیری تفاوت‌های فردی در یادگیری و عملکرد تحصیلی دانش آموزان پرداخته ایم. و هدف ما نشان دادن بخش‌های تأثیرگذار و نوع تأثیرگذاری آن‌ها بر عوامل فردی تأثیرگذار بر یادگیری است.

ضرورت تحقیق

تفاوت‌های فردی در یادگیری و عملکرد تحصیلی، یکی از چالش‌های اصلی آموزش به حساب می‌آید. تفاوت‌های فردی ممکن است ناشی از عوامل مختلفی همچون ویژگی‌های فردی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی باشد. محیط خانواده به عنوان اولین و مؤثرترین نهاد اجتماعی کودک، نقش ویژه‌ای در شکل‌دهی این تفاوت‌ها ایفا می‌کند. در حالی که بسیاری از تحقیقات بر تأثیر ویژگی‌های فردی مانند هوش، انگیزه و استعداد بر یادگیری تأکید کرده‌اند، به ندرت به نقش خانواده در ایجاد و تقویت این تفاوت‌ها پرداخته‌اند (Epstein, 2001).

این مقاله نه تنها به شناسایی عواملی که در خانواده موجب ایجاد تفاوت‌های فردی در عملکرد تحصیلی می‌شود؛ کمک می‌کند، بلکه می‌تواند برای سیاست‌گذاران و معلمان نیز راه کارهایی برای بهبود شرایط آموزشی دانش آموزان ارائه دهد. با توجه به

تأثیرات عمیق و پیچیده محیط خانواده بر عملکرد تحصیلی، شناخت دقیق این عوامل می تواند به طراحی استراتژی های آموزشی مؤثرتری منجر شود که نیازها و چالش های مختلف دانش آموزان را در نظر بگیرد.

اهداف تحقیق

هدف اصلی این مقاله بررسی میزان تأثیرات مختلف اجتماع خانواده موثر بر تفاوت های فردی در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان است. و به طور جزئی اهداف زیر را بررسی می کند.

۱. تأثیر حمایت های عاطفی و روانی خانواده بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان

۲. نقش وضعیت اقتصادی خانواده در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان

۳. شیوه های فرزندپروری و تأثیر آن ها بر تفاوت های فردی در یادگیری دانش آموزان

۴. ارتباطات میان تعاملات خانوادگی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان

پیشینه تحقیق

دانایی در سال ۱۳۹۵ در مطالعه ای با موضوع بررسی تأثیر سبک های فرزندپروری بر رفتار تحصیلی دانش آموزان.. او در این مطالعه به بررسی تأثیر سبک های فرزندپروری مختلف (دموکراتیک، استبدادی و سهل گیر) بر رفتار تحصیلی دانش آموزان پرداخته است و دریافته که سبک های فرزندپروری دموکراتیک تأثیر مثبتی بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان دارند. مهرابی نیز در سال (۱۳۹۹) در تحقیقی با موضوع تأثیر حمایت های عاطفی و روانی خانواده بر موفقیت تحصیلی دانش آموزان به بررسی نقش حمایت های عاطفی و روانی والدین بر موفقیت تحصیلی دانش آموزان پرداخته و دریافته است که دانش آموزانی که از حمایت های عاطفی قوی برخوردارند، عملکرد تحصیلی بهتری دارند. نجفی هم در سال (۱۳۹۷). در مقاله ای تحت عنوان وضعیت اقتصادی خانواده و تأثیر آن بر یادگیری دانش آموزان به بررسی تأثیر وضعیت اقتصادی خانواده بر یادگیری دانش آموزان پرداخت. نتایج آن نشان می دهد که خانواده های با وضعیت اقتصادی بهتر، منابع آموزشی بیشتری برای فرزندان خود فراهم می آورند که می تواند به بهبود عملکرد تحصیلی آن ها منجر شود. در آخر هم به بیان تحقیقی که سلیمانی در سال (۱۳۹۶) با موضوع تأثیر شرایط خانوادگی بر رشد شناختی و تحصیلی دانش آموزان انجام داده است؛ می پردازیم. در این پژوهش تأثیر شرایط خانوادگی، شامل عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، بر رشد شناختی و تحصیلی دانش آموزان را مورد بررسی قرار گرفت. و نتایج حاکی از آن است که شرایط حمایتی خانواده تأثیر زیادی بر رشد شناختی و موفقیت تحصیلی دانش آموزان دارد. در این مقاله ما علاوه بر بیان تأثیرات خانوادگی موثر بر تفاوت های فردی دانش آموزان به بیان فرصت ها چالش های معلمان و سیاست گذاران می پردازیم.

۲- روش شناسی :

این تحقیق به روش کتابخانه‌ای (Desk Research) انجام شده است. در این روش، تمامی داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز از منابع مختلف علمی و پژوهشی موجود جمع‌آوری شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. برای دستیابی به اهداف تحقیق و بررسی تأثیر محیط خانواده بر تفاوت‌های فردی در یادگیری و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان، از منابع مختلفی همچون مقالات علمی، کتب تخصصی، پایان‌نامه‌ها و گزارش‌های تحقیقاتی استفاده گردید.

۳- بحث درباره یافته‌ها

۳-۱ نقش حمایت‌های عاطفی و روانی خانواده

حمایت‌های عاطفی و روانی خانواده یکی از مهم‌ترین عواملی است که بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد. در واقع، کودکان و نوجوانانی که از حمایت‌های عاطفی کافی برخوردارند، معمولاً احساس امنیت و اعتماد به نفس بیشتری دارند و می‌توانند در محیط‌های آموزشی بهتر عمل کنند. به‌طور خاص، پژوهش‌ها نشان می‌دهند که دانش‌آموزانی که در خانواده‌های با روابط مثبت و حمایتگر رشد می‌کنند، معمولاً عملکرد بهتری در تحصیل دارند و قادر به مقابله با مشکلات و فشارهای تحصیلی هستند (مهرابی، ۱۳۹۹).

حمایت‌های عاطفی در خانواده به دانش‌آموزان باعث می‌شود که خود را مورد پذیرش و توجه والدین بدانند. و در واقع این نوع حمایت‌ها باعث کاهش اضطراب، استرس و تنش‌های روانی می‌شود و همه این‌ها باعث بهبود توانایی‌های یادگیری و عملکرد تحصیلی می‌گردد. در مقابل، نبود حمایت‌های عاطفی و روانی می‌تواند منجر به مشکلات رفتاری، روان‌شناختی و تحصیلی در دانش‌آموزان شود.

حمایت‌های خانوادگی می‌توانند تأثیر بسزایی در مدیریت استرس تحصیلی دانش‌آموزان داشته باشند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که حمایت عاطفی والدین باعث کاهش اضطراب امتحان و افزایش اعتماد به نفس در دانش‌آموزان می‌شود. به‌ویژه در شرایطی که دانش‌آموزان با چالش‌هایی مانند شکست تحصیلی مواجه می‌شوند، وجود خانواده‌ای حمایتگر می‌تواند از تأثیرات منفی این شکست جلوگیری کند (فخاریان و همکاران، ۲۰۱۹).

۳-۲ اقتصاد خانواده و تأثیر آن بر یادگیری

وضعیت اقتصادی خانواده یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر تفاوت‌های فردی در یادگیری و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان است. وضعیت اقتصادی خانواده نه تنها بر تأمین منابع آموزشی مانند کتاب‌های کمک‌درسی، کلاس‌های خصوصی و دسترسی به فناوری تأثیر می‌گذارد، بلکه می‌تواند تأثیرات عاطفی و روانی نیز داشته باشد. خانواده‌هایی که از وضعیت اقتصادی

بهتری برخوردارند، معمولاً قادرند امکانات بیشتری برای یادگیری فرزندان خود فراهم کنند. این امکانات می‌تواند شامل آموزش خصوصی، کلاس‌های فوق برنامه، سفرهای آموزشی و همچنین دسترسی به منابع دیجیتال باشد که برای بهبود فرآیند یادگیری ضروری است (نجفی، ۱۳۹۷).

یکی از مهم‌ترین راه‌هایی که وضعیت اقتصادی بر یادگیری تأثیر می‌گذارد، میزان دسترسی دانش‌آموزان به منابع آموزشی مانند کتاب، اینترنت، کلاس‌های کمک آموزشی و وسایل کمک‌درسی است. خانواده‌هایی که از سطح اقتصادی بالاتری برخوردارند، توانایی بیشتری برای تهیه ابزارهای آموزشی دارند. در مقابل، دانش‌آموزانی که از خانواده‌های کم‌درآمد می‌آیند، ممکن است در دسترسی به این امکانات با محدودیت مواجه شوند که این امر بر یادگیری آن‌ها تأثیر منفی می‌گذارد (شبانی سوق، ۱۴۰۲).

از سویی تغذیه مناسب و سلامت جسمی دانش‌آموزان رابطه مستقیمی با عملکرد تحصیلی دارد. خانواده‌هایی که در تأمین نیازهای اولیه مانند تغذیه سالم و مراقبت‌های بهداشتی با مشکل مواجه‌اند، معمولاً کودکانی دارند که تمرکز و انرژی کافی برای یادگیری ندارند. کمبود مواد مغذی ضروری مانند آهن، پروتئین و ویتامین‌ها می‌تواند منجر به کاهش توانایی شناختی و تمرکز در کلاس شود.

سطح تحصیلات والدین یکی از شاخص‌های مهم اقتصادی-اجتماعی است که می‌تواند بر یادگیری دانش‌آموزان تأثیر بگذارد. والدینی که تحصیلات بالاتری دارند، معمولاً ارزش بیشتری برای آموزش قائل هستند و می‌توانند بهتر فرزندان خود را در امور درسی راهنمایی کنند. علاوه بر این، شغل والدین نیز بر سطح درآمد و رفاه اقتصادی خانواده تأثیر دارد و این مسئله می‌تواند به‌طور غیرمستقیم بر یادگیری فرزندان اثر بگذارد.

در مقابل، دانش‌آموزانی که در خانواده‌هایی با وضعیت اقتصادی بد زندگی می‌کنند، با چالش‌هایی نظیر عدم دسترسی به منابع آموزشی کافی روبه‌رو می‌شوند. این چالش‌ها بر عملکرد تحصیلی آن‌ها تأثیر دارد. به‌علاوه، فشارهای اقتصادی خانواده‌ها می‌تواند منجر به استرس و ایجاد نگرانی در دانش‌آموزان شود. این استرس‌ها می‌تواند موجب کاهش تمرکز در کلاس‌ها و افت تحصیلی شوند. به همین دلیل، وضعیت اقتصادی خانواده به‌طور غیرمستقیم بر سلامت روانی و کیفیت یادگیری دانش‌آموز تأثیر گذار است.

یکی دیگر از جنبه‌های مهم تأثیر وضعیت اقتصادی، امکان انتخاب مدارس با کیفیت‌تر است. دانش‌آموزانی که در خانواده‌های مرفه رشد می‌کنند، شانس بیشتری برای تحصیل در مدارس با امکانات بهتر، معلمان مجرب و محیط‌های آموزشی حمایتی دارند. در مقابل، دانش‌آموزانی که در مدارس دولتی با امکانات کمتر تحصیل می‌کنند، ممکن است فرصت‌های یادگیری کمتری داشته باشند که این امر بر پیشرفت تحصیلی آن‌ها اثر گذار است.

۳-۳ تاثیر شیوه‌های فرزندپروری مختلف در ایجاد تفاوت‌های فردی

شیوه‌های فرزندپروری و سبک‌های تربیتی والدین نیز به‌طور مستقیم بر تفاوت‌های فردی در یادگیری و عملکرد تحصیلی تأثیر می‌گذارند. والدین با سبک‌های مختلف فرزندپروری، از جمله سبک‌های دموکراتیک، مستبدانه و بی‌توجه، شیوه‌های متفاوتی را در برخورد با مسائل تحصیلی و رفتاری فرزندان خود اتخاذ می‌کنند. هر یک از این شیوه‌ها می‌تواند بر رشد تحصیلی دانش‌آموزان تأثیرات متفاوتی داشته باشند.

انواع شیوه‌های فرزندپروری:

سبک‌های فرزندپروری به روش‌هایی اطلاق می‌شود که والدین برای تربیت فرزندان خود به کار می‌گیرند. نظریه پرداز اصلی در این زمینه دایانا بامریند (Diana Baumrind) است که در دهه ۱۹۶۰ سه سبک اصلی فرزندپروری را معرفی کرد. بعدها، محققان سبک چهارمی نیز به آن اضافه کردند. این سبک‌ها شامل موارد زیر هستند:

۱. فرزندپروری مقتدرانه (Authoritative Parenting)
والدین مقتدر ترکیبی از محبت و کنترل را به کار می‌گیرند. آن‌ها قوانین مشخصی دارند، اما در عین حال نظرات و احساسات فرزند خود را نیز در نظر می‌گیرند.
کودکانی که در این سبک پرورش می‌یابند، معمولاً اعتماد به نفس بالا، توانایی حل مسئله، و مهارت‌های اجتماعی قوی دارند.

۲. فرزندپروری مستبدانه (Authoritarian Parenting)
والدین سخت‌گیر، کنترل‌کننده و کم‌عاطفه هستند. آن‌ها قوانین سخت‌گیرانه‌ای وضع می‌کنند و انتظار اطاعت بدون چون‌وچرا دارند.
این کودکان ممکن است مضطرب، گوشه‌گیر و فاقد اعتماد به نفس باشند یا در برخی موارد پرخاشگر شوند.

۳. فرزندپروری سهل‌گیرانه (Permissive Parenting)
این والدین بسیار حمایتگر و مهربان هستند اما کنترل کمی بر رفتار فرزند خود دارند و قوانین سختی تعیین نمی‌کنند. کودکان ممکن است در خودکنترلی، مسئولیت‌پذیری و مدیریت هیجانات مشکل داشته باشند.

۴. فرزندپروری بی‌اعتنا (Neglectful/Uninvolved Parenting)
والدین کمترین تعامل را با کودک دارند و نیازهای عاطفی و آموزشی او را نادیده می‌گیرند. این کودکان معمولاً عزت نفس پایین، مشکلات رفتاری و عملکرد تحصیلی ضعیف دارند.
والدینی که از سبک مقتدرانه استفاده می‌کنند، معمولاً به نیازهای کودک احترام می‌گذارند و در کنار آن، قوانین و محدودیت‌های منطقی برای او تعیین می‌کنند. این والدین معمولاً به فرزندان خود فرصت می‌دهند تا نظرات و خواسته‌های خود را بیان کنند و در تصمیم‌گیری‌های مربوط به تحصیل مشارکت کنند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که این سبک فرزندپروری می‌تواند به افزایش انگیزه تحصیلی، اعتماد به نفس و رشد شناختی دانش‌آموزان کمک کند (دانایی، ۱۳۹۵).
در مقابل، والدین با سبک مستبدانه که به‌طور مستقیم به تحصیل و رفتار فرزند خود دخالت می‌کنند، ممکن است فرزندان با انگیزه کمتر و اعتماد به نفس پایین‌تر پرورش دهند. این دانش‌آموزان ممکن است در مواجهه با مشکلات تحصیلی و فشارهای مدرسه به راحتی تسلیم شوند و عملکرد ضعیف‌تری از خود نشان دهند. بنابراین، شیوه‌های فرزندپروری می‌تواند تفاوت‌های فردی در یادگیری و تحصیل را تقویت یا کاهش دهد.

۳-۴ تأثیر روابط خانوادگی بر سلامت روانی و یادگیری

رابطه میان اعضای خانواده و نوع تعاملات خانوادگی نیز بر تفاوت‌های فردی در یادگیری تأثیرگذار است. در خانواده‌هایی که اعضا به‌ویژه والدین با یکدیگر تعاملات مثبت و حمایتی دارند، کودکان و نوجوانان معمولاً احساس امنیت و آرامش بیشتری دارند که این احساس می‌تواند بر عملکرد تحصیلی آن‌ها تأثیرگذار باشد. برعکس، در خانواده‌هایی که در آن‌ها مشکلات ارتباطی، تنش‌ها و درگیری‌های مداوم وجود دارد، دانش‌آموزان ممکن است دچار اضطراب و مشکلات روان‌شناختی شوند که این مشکلات می‌تواند بر موفقیت تحصیلی‌شان اثر منفی بگذارد. کیفیت روابط خانوادگی تأثیر مستقیمی بر سلامت روانی و یادگیری دانش‌آموزان دارد. محیط خانوادگی گرم، حمایتگر و همراه با تعاملات مثبت می‌تواند بستری مناسب برای رشد توانایی‌های فردی فراهم کرده و انگیزه یادگیری را تقویت کند. در مقابل، تنش‌های خانوادگی، بی‌توجهی والدین و سبک‌های فرزندپروری ناسالم می‌توانند منجر به اضطراب، افت تحصیلی و کاهش عزت‌نفس در کودکان شوند (Conger et al., 2010).

روابط خانوادگی سالم، احساس امنیت روانی را در کودکان افزایش داده و زمینه‌ساز رشد مهارت‌های شناختی و اجتماعی آنان می‌شود. والدینی که ارتباطی مثبت و سازنده با فرزندان خود برقرار می‌کنند، با ارائه تشویق‌های مناسب، تعیین مرزهای مشخص و گوش سپردن به نیازهای آن‌ها، نقش بسزایی در شکل‌گیری انگیزه‌های تحصیلی ایفا می‌کنند (Steinberg, 2001). در مقابل، خانواده‌هایی که ارتباطات ضعیفی دارند یا بر تنبیه و انتظارات بیش از حد تأکید می‌کنند، ممکن است فرزندان مضطرب، بی‌اعتماد به خود و دچار افت عملکرد تحصیلی پرورش دهند.

به‌علاوه، تعاملات مثبت والدین با فرزندان می‌تواند به کاهش استرس‌های تحصیلی و بهبود کیفیت یادگیری منجر شود. والدینی که به‌طور فعال به تحصیل فرزند خود توجه می‌کنند، به او در انجام تکالیف مدرسه کمک می‌کنند و در صورت نیاز به معلمان و مشاوران مدرسه مراجعه می‌کنند، می‌توانند به شکل قابل توجهی به پیشرفت تحصیلی فرزند خود کمک کنند. محیط عاطفی و روانی خانواده، نقش بسزایی در توانایی تمرکز و پردازش اطلاعات در دانش‌آموزان دارد. استرس و درگیری‌های خانوادگی ممکن است موجب کاهش توانایی یادگیری و ضعف در مهارت‌های حل مسئله شود. در مقابل، خانواده‌هایی که یادگیری را ارزشمند می‌دانند، از طریق ایجاد فضایی آرام و حمایت از فعالیت‌های علمی و آموزشی، انگیزه و اشتیاق تحصیلی را در فرزندان خود تقویت می‌کنند (Hair et al., 2015).

در نهایت، ایجاد تعادل در روابط خانوادگی، حمایت عاطفی، الگوسازی مثبت و فراهم‌سازی محیطی سالم و پویا در خانواده، نه تنها به بهبود سلامت روانی کودکان کمک می‌کند، بلکه آنان را برای موفقیت‌های تحصیلی و اجتماعی آینده آماده می‌سازد. از این رو، تقویت تعاملات مثبت در خانواده و افزایش آگاهی والدین از نیازهای عاطفی و تحصیلی فرزندان، می‌تواند بهبود چشمگیری در کیفیت یادگیری و رشد شخصیتی آن‌ها ایجاد کند.

۳-۵. تأثیر فرهنگ خانوادگی بر یادگیری

نقش ارزش‌های خانوادگی در پیشرفت تحصیلی فرهنگ و ارزش‌های خانوادگی نقش مهمی در تعیین نگرش دانش‌آموزان نسبت به تحصیل دارد. خانواده‌هایی که تحصیلات را یک ارزش مهم تلقی می‌کنند، معمولاً انگیزه بالاتری در فرزندان خود برای یادگیری ایجاد می‌کنند (Jeynes, 2007). در این خانواده‌ها، والدین اغلب فرزندان خود را تشویق به مطالعه، تحقیق و پیگیری اهداف تحصیلی می‌کنند.

تأثیر سطح تحصیلات والدین بر عملکرد تحصیلی

تحقیقات نشان داده‌اند که سطح تحصیلات والدین تأثیر مستقیمی بر میزان موفقیت تحصیلی فرزندان دارد. والدینی که تحصیلات بالاتری دارند، نه تنها منابع آموزشی بیشتری برای فرزندان خود فراهم می‌کنند، بلکه در ایجاد محیطی حمایتی و علمی نیز نقش دارند. مطالعه‌ای توسط Davis-Kean (۲۰۰۵) نشان داد که والدین با تحصیلات دانشگاهی، مهارت‌های مطالعه بهتری را به فرزندان خود آموزش داده و نقش فعالیت‌های یادگیری آن‌ها ایفا می‌کنند.

تأثیر ساختار خانواده بر عملکرد تحصیلی

۲-۱. تأثیر تعداد فرزندان بر یادگیری

مطالعات نشان داده‌اند که تعداد فرزندان در یک خانواده می‌تواند بر سطح توجه والدین و کیفیت آموزش در محیط خانه تأثیر بگذارد. خانواده‌هایی که فرزندان کمتری دارند، معمولاً می‌توانند توجه بیشتری به نیازهای آموزشی هر کودک داشته باشند (Downey, 1995). از سوی دیگر، در خانواده‌های پرجمعیت، تقسیم منابع مالی و زمانی میان فرزندان ممکن است منجر به کاهش دسترسی به امکانات آموزشی شود.

۲-۲. نقش والدین مجرد در عملکرد تحصیلی

وضعیت خانوادگی، از جمله حضور یکی از والدین به عنوان سرپرست، می‌تواند بر میزان حمایت‌های آموزشی، عاطفی و اقتصادی تأثیر بگذارد. تحقیقات نشان داده‌اند که دانش‌آموزانی که در خانواده‌های تک‌سرپرست زندگی می‌کنند، در مقایسه با کودکانی که در خانواده‌های دوالدی رشد می‌کنند، ممکن است با چالش‌های تحصیلی بیشتری مواجه شوند (McLanahan & Sandefur, 1994). این چالش‌ها اغلب ناشی از محدودیت‌های مالی و کاهش میزان تعاملات والد-فرزندی در مسائل آموزشی است.

۳-۶. تأثیر محیط فیزیکی خانه بر یادگیری

فضای مطالعه و تأثیر آن بر تمرکز و عملکرد تحصیلی

داشتن یک محیط مطالعه آرام و مجهز در خانه می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر یادگیری دانش‌آموزان داشته باشد. تحقیقاتی نشان داده‌اند که کودکان دارای فضای مشخص برای مطالعه، عملکرد تحصیلی بهتری نسبت به کودکانی دارند که در محیط‌های شلوغ و پر تنش مطالعه می‌کنند (Evans, 2006). وجود نور کافی، صندلی مناسب و نبود عوامل حواس‌پرتی مانند سر و صدای تلویزیون یا گوشی‌های هوشمند، می‌تواند به بهبود یادگیری کمک کند.

دسترسی به فناوری‌های آموزشی

با پیشرفت فناوری، دسترسی به اینترنت و دستگاه‌های آموزشی نقش مهمی در یادگیری ایفا می‌کنند. دانش‌آموزانی که به منابع دیجیتال مانند کلاس‌های آنلاین، کتاب‌های الکترونیکی و نرم‌افزارهای کمک‌آموزشی دسترسی دارند، معمولاً عملکرد

تحصیلی بهتری نشان می‌دهند (Lei & Zhao, 2007). در مقابل، خانواده‌هایی که توانایی تأمین این امکانات را ندارند، ممکن است دانش‌آموزانی با محدودیت‌های یادگیری و افت تحصیلی داشته باشند.

۴- نتیجه گیری

محیط خانواده یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر تفاوت‌های فردی در یادگیری و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که حمایت‌های عاطفی و روانی خانواده، وضعیت اقتصادی، سبک‌های فرزندپروری و کیفیت روابط خانوادگی همگی نقش مهمی در شکل‌گیری نگرش تحصیلی و موفقیت دانش‌آموزان دارند. حمایت عاطفی والدین نه تنها باعث افزایش اعتمادبه‌نفس و کاهش اضطراب تحصیلی در دانش‌آموزان می‌شود، بلکه به آن‌ها کمک می‌کند تا در مواجهه با چالش‌های درسی، انگیزه و پشتکار بیشتری داشته باشند. از سوی دیگر، وضعیت اقتصادی خانواده نیز تأثیر غیرمستقیم اما مهمی بر عملکرد تحصیلی دارد؛ دانش‌آموزانی که در خانواده‌های مرفه‌تر رشد می‌کنند، به منابع آموزشی، امکانات تحصیلی و تغذیه بهتری دسترسی دارند که این امر باعث افزایش فرصت‌های یادگیری آن‌ها می‌شود. همچنین سبک‌های فرزندپروری تأثیر قابل توجهی بر رشد شناختی و تحصیلی دانش‌آموزان دارند. سبک‌های مقتدرانه که در آن‌ها والدین علاوه بر حمایت عاطفی، قوانین منسجم و انعطاف‌پذیری مناسبی را در تربیت فرزندان خود به کار می‌گیرند، می‌توانند به موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان کمک کنند. در مقابل، سبک‌های مستبدانه یا سهل‌گیرانه ممکن است باعث کاهش انگیزه تحصیلی یا ایجاد مشکلات رفتاری در دانش‌آموزان شوند.

در نهایت، کیفیت روابط خانوادگی و تعاملات مثبت میان والدین و فرزندان می‌تواند محیطی سالم و آرام برای یادگیری فراهم کند. در خانواده‌هایی که ارتباط مؤثری میان اعضا وجود دارد، دانش‌آموزان احساس امنیت بیشتری دارند و کمتر دچار استرس و اضطراب تحصیلی می‌شوند. در مقابل، تنش‌های خانوادگی و کمبود حمایت‌های والدین می‌تواند منجر به افت تحصیلی و مشکلات روان‌شناختی در کودکان شود.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که محیط خانواده تأثیر گسترده‌ای بر تفاوت‌های فردی در یادگیری و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دارد. عواملی مانند حمایت‌های عاطفی، وضعیت اقتصادی، سبک‌های فرزندپروری، فرهنگ خانوادگی، ساختار خانواده و میزان دسترسی به منابع آموزشی، همگی می‌توانند به ایجاد تفاوت‌های فردی در یادگیری منجر شوند. دانش‌آموزانی که در خانواده‌های حمایتگر با سبک فرزندپروری مقتدرانه، وضعیت اقتصادی مطلوب و دسترسی به منابع آموزشی مناسب رشد می‌کنند، عملکرد تحصیلی بهتری نسبت به سایرین دارند. در مقابل، خانواده‌هایی که با چالش‌های مالی، ارتباطات ضعیف و فقدان حمایت عاطفی مواجه هستند، معمولاً فرزندان‌شان با مشکلات تحصیلی روبه‌رو می‌شوند. در نهایت، برای بهبود عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان، باید سیاست‌هایی تدوین شود که نقش خانواده در فرآیند یادگیری را تقویت کرده و از طریق حمایت‌های آموزشی و مشاوره‌ای، چالش‌های موجود را کاهش دهد.

با توجه به اهمیت این عوامل، ضرورت دارد که خانواده‌ها، نظام آموزشی و سیاست‌گذاران آموزشی به راهکارهایی برای بهبود محیط خانوادگی و حمایت از دانش‌آموزان در مسیر تحصیلی آن‌ها توجه ویژه‌ای داشته باشند. شناخت تأثیرات محیط

خانواده بر یادگیری، می تواند به طراحی برنامه های آموزشی و مشاوره ای مؤثرتری منجر شود که به بهبود عملکرد تحصیلی و کاهش نابرابری های آموزشی کمک کند.

پیشنهادهای

۱. آموزش والدین درباره سبک های فرزندپروری مؤثر:
برگزاری کارگاه ها و دوره های آموزشی برای والدین با هدف آشنایی با روش های فرزندپروری مقتدرانه و نقش آن در پیشرفت تحصیلی کودکان.
۲. تقویت حمایت های عاطفی و روانی در خانواده ها:
برنامه های مشاوره ای و آموزشی برای والدین جهت تقویت ارتباط عاطفی با فرزندان، کاهش تنش های خانوادگی و ایجاد محیطی مثبت و حمایتی در خانه.
۳. افزایش دسترسی دانش آموزان کم برخوردار به منابع آموزشی:
ایجاد برنامه های حمایتی مانند بورسیه های تحصیلی، ارائه کلاس های رایگان کمک آموزشی و تأمین وسایل کمک درسی برای دانش آموزانی که از نظر اقتصادی در شرایط نامساعدی قرار دارند.
۴. توسعه برنامه های مشاوره ای در مدارس:
تقویت نقش مشاوران تحصیلی و روان شناسان در مدارس برای شناسایی دانش آموزانی که به دلیل مشکلات خانوادگی یا اقتصادی دچار افت تحصیلی شده اند و ارائه راهکارهای حمایتی به آن ها.
۵. افزایش آگاهی والدین درباره تأثیر وضعیت اقتصادی بر تحصیل فرزندان:
اطلاع رسانی درباره اهمیت تأمین نیازهای اولیه آموزشی، تغذیه سالم و محیط مناسب برای یادگیری کودکان، به ویژه در خانواده هایی که از نظر اقتصادی در وضعیت دشواری قرار دارند.
۶. حمایت از مدارس و معلمان در مناطق محروم:
تجهیز مدارس کم برخوردار با امکانات مناسب، ارتقای سطح کیفی آموزش در این مناطق و ارائه تسهیلات ویژه برای معلمان این مدارس جهت بهبود شرایط یادگیری.
۷. ترویج فرهنگ تعامل مثبت در خانواده:
طراحی برنامه های فرهنگی و اجتماعی برای افزایش مهارت های ارتباطی والدین، تقویت تعاملات مثبت و کاهش تعارضات خانوادگی که می تواند به بهبود وضعیت تحصیلی دانش آموزان کمک کند.

منابع

- داناوی، ف. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر سبک‌های فرزندپروری بر رفتار تحصیلی دانش آموزان. تهران: انتشارات پژوهش.
- شبانای سوق، س. (۱۴۰۲). مطالعه و بررسی تأثیر وضعیت اقتصادی خانواده بر پیشرفت تحصیلی و یادگیری دانش آموزان.
- پنجمین همایش ملی پژوهش‌های حرفه‌ای در روان‌شناسی و مشاوره با رویکرد از نگاه معلم. بازیابی از <https://civilica.com/doc/1760237>
- فخاریان، ج.، یعقوبی، ا.، ضرغام حاجبی، م.، & محقق، ح. (۲۰۱۹). تدوین مدل علی سرزندگی تحصیلی بر اساس جو عاطفی خانواده، محیط یادگیری سازنده گرای اجتماعی و درگیری تحصیلی با میانجی‌گری خودکارآمدی تحصیلی در دانش آموزان
- دختر مقطع متوسطه. فصلنامه پژوهش‌های تربیتی، ۱۲(۴)، ۲۳-۴۵.
- مهرابی، ن. (۱۳۹۹). تأثیر حمایت‌های عاطفی و روانی خانواده بر موفقیت تحصیلی دانش آموزان. مجله روانشناسی کودک، ۱۵(۴)، ۲۲-۳۵.
- نجفی، م. (۱۳۹۷). وضعیت اقتصادی خانواده و تأثیر آن بر یادگیری دانش آموزان. پژوهش‌های اجتماعی در آموزش و پرورش، ۱۲(۱)، ۴۵-۶۰.
- سلیمانی، ف. (۱۳۹۶). تأثیر شرایط خانوادگی بر رشد شناختی و تحصیلی دانش آموزان. مجله روانشناسی تربیتی، ۲۳(۳)، ۱۶۴-۱۵۰.

Bradley, R. H., & Corwyn, R. F. (2002). *Socioeconomic status and child development. Annual Review of Psychology*, 53(1), 371-399.

<https://doi.org/10.1146/annurev.psych.53.100901.135233>

Baumrind, D. (1991). The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *Journal of Early Adolescence*, 11(1), 56-95.

Conger, R. D., Conger, K. J., & Martin, M. J. (2010). Socioeconomic status, family processes, and individual development. *Journal of Marriage and Family*, 72(3), 685-704. <https://doi.org/10.1111/j.1741-3737.2010.00725.x>

Darling, N., & Steinberg, L. (1993). Parenting style as context: An integrative model. *Psychological Bulletin*, 113(3), 487-496

Davis-Kean, P. E. (2005). The influence of parent education and family income on child achievement: The indirect role of parental expectations and the home environment. *Journal of Family Psychology*, 19(2), 294.

Duncan, G. J., & Brooks-Gunn, J. (1997). *Consequences of growing up poor. Russell Sage Foundation*.

- Downey, D. B. (1995). When bigger is not better: Family size, parental resources, and children's educational performance. *American Sociological Review*, 60(5), 746-761.
- Epstein, J. L. (2001). *School, family, and community partnerships: Preparing educators and improving schools*. Westview Press.
- Jeynes, W. H. (2007). The relationship between parental involvement and urban secondary school student academic achievement. *Urban Education*, 42(1), 82-110.
- Hair, E. C., Hanson, R. K., Wolfe, B., & Pollak, S. D. (2015). Association of family environment with children's academic achievement and mental health. *Child Development*, 86(1), 311-325. <https://doi.org/10.1111/cdev.12340>
- Lareau, A. (2003). *Unequal childhoods: Class, race, and family life*. University of California Press
- Maccoby, E. E., & Martin, J. A. (1983). Socialization in the context of the family: Parent-child interaction. In P. H. Mussen (Ed.), *Handbook of child psychology* (Vol. 4, pp. 1-101).
- Mistry, R. S., Benner, A. D., Tan, P., & Kim, S. (2009). Family economic stress and academic well-being of adolescents: A family process model of the links between income, maternal education, and adolescent outcomes. *Journal of Youth and Adolescence*
- Steinberg, L. (2001). We know some things: Parent-adolescent relationships in retrospect and prospect. *Journal of Research on Adolescence*, 11(1), 1-19. <https://doi.org/10.1111/1532-7795.00001>